

امضای عاجل تفاهم نامه میان ریاست عمومی امنیت افغانستان و سازمان استخبارات نظامی پاکستان

امضای عاجل یادداشت تفاهم میان ریاست عمومی امنیت افغانستان و سازمان استخبارات نظامی پاکستان آی اس آی بقول روزنامه هشت صبح همه را بهت زده ساخت و این سوال مطرح است که چه انگیزه هایی باعث این اقدام عجولانه اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان گردید، در حالیکه نظر به گزارش های رسانه ها نه عبدالله عبدالله رئیس اجرایی و نه هم رحمت الله نبیل رئیس سازمان امنیت افغانستان با این تفاهم نامه توافق داشتند. برعکس پارلمان افغانستان نیز به این تفاهم به نظر شک و تردید دیده و امضای آنرا عجولانه و اشتباه ارزیابی کردند.

بقول روزنامه هشت صبح متن این تفاهم نامه شامل حد اقل پنج نقطه اساسی میباشد:

اول-، تعهد سازمان استخبارات نظامی پاکستان آی اس آی در زمینه کمک های فنی به سازمان امنیت افغانستان. در این جای شک نیست که سازمان استخبارات پاکستان دارای تجارب گسترده استخباراتی است و اکثریت کادرهای آن زیر نظر کارشناسان کار کشته ام آی ۶ انگلیسی و سی آی ای امریکایی تربیه شده اند اما افراد سازمان امنیت افغانستان هم حد اقل در این سیزده سال اخیر تحت نظر متخصصین امور امنیتی ناتو تربیه شده و ممکن از داشتن وسایل فنی مشابه به پاکستان برخوردار باشند. اما سوال اساسی اینجاست که مقامات پاکستانی با همه فریبکاری ها، دروغ ها و وعده خلافی های متداوم چگونه و با چه وسایلی موفق شدند، اشرف غنی و سایر مقامات افغانی را متقاعد سازند که دوستی این دو کشور تا بدان پایه مستحکم شده است که راه نفوذ استخبارات پاکستان را حتی در محرمترین ارگان امنیتی افغانستان باز بگذارند. آیا این اقدام ناشی از یک اعتماد دوجانبه طرفین نسبت به همدیگر است و یا اینکه کاسه ای زیر نیم کاسه است؟

دوم-، سازمان امنیت ملی افغانستان و سازمان استخبارات نظامی پاکستان توافق کرده اند تا اطلاعات شان را در مورد گروه های تروریستی تبادل نمایند. در این زمینه اگر تعریف دقیقی از تروریسم وجود نداشته باشد و بگفته سخنگوی سازمان امنیت تروریسم تنها شامل القاعده و داعش باشد، گروه طالبان که هر روزه اقدام به عملیات تروریستی در افغانستان میکنند و صدها افغان ملکی، بیگناه قربانیان اعمال جنایتکارانه شان میگردند هم شامل گروه های تروریستی اند و یا نه؟ دیده شود که در متن کامل تفاهمنامه که دولت هر چه زودتر آنرا باید علنی کند، چه تعریفی از تروریسم وجود دارد.

سوم-، دو سازمان تفاهم کرده اند با جدایی طلبی و گروه های جدایی طلب مبارزه کنند. در این زمینه باید گفت که در حال حاضر از ناحیه جدایی طلبی هیچگونه خطری متوجه افغانستان نیست. این خطر در قدم اول متوجه پاکستان است که حرکتهای جدایی طلبی در بلوچستان و سند بگونه ای بالقوه وجود دارد. پاکستان از سالها مدعی است که افغانستان جدایی طلبان بلوچ را حمایت می کند. در این بند تفاهمنامه پاکستان، جلوگیری از خطرات احتمالی چنین حمایتی را از تجزیه طلبان بلوچ جلوگیری نموده و افغانستان را پابند چنین تعهدی نمودند. برعکس بازیگران و امضا کنندگان تفاهم نامه افغان بصورت غیر مستقیم روی خط دیورند صحه گذاشتند، یعنی افغانستان باید با پاکستان ضد هر حرکت احتمالی جدایی طلبی از جانب پشتونها مبارزه کند و از دولت افغانستان حتی حق ادعای مرزی دیورند را در

متن این تفاهم نامه بگونه ای ماهرانه و دیپلماتیک خنثی نمود. سوال اینجاست که مخالفین برسمیت شناختن خط دیورند که عده ای از آنها شامل ائتلاف اشرف غنی میباشند چه واکنشی نشان خواهند داد؟

چهارم- ,,هر دو سازمان با سازمانهای استخباراتی دشمن مبارزه میکنند.“ هر کسی که با الفبای سیاست آشنا باشد میداند که پاکستان تا حال با کدام کشور ها در منطقه دشمنی دارد، افغانستان و هند. حالا اگر بپذیریم که از دید بازیگران سیاسی هر دو کشور زمینه دشمنی افغانستان و پاکستان از میان برداشته شده است، برای پاکستان هند بعنوان دشمن همچنان پا برجا باقیست. آنچه روشن نیست دشمن یا دشمنان افغانستان در منطقه است که کدام کشور یا کشور ها دشمن افغانستان خواهند بود، ایران، ازبکستان، ترکمنستان، تاجکستان هند ویا چین؟ تا حال سیاست افغانستان در قبال تمام این کشور ها با وجود اختلافات احتمالی، دوستانه بوده و تا سرحد دشمنی ارتقا نکرده است. هدف افغانستان از محتوای این ماده تفاهم نامه مغشوش ناروشن و غیر قابل درک است. در حالیکه هدف پاکستان از دشمنی در این جا تعریف شده و روشن است. امضا کننده گان در این ماده بدون تردید در برابر هند قرار گرفته اند. در اینجا پاکستان با زبان دیپلماتیک به بزرگترین هدف استراتژیک خود یعنی کشاندن افغانستان به یک پیمان ضد هند، موفقیت بدست آورد.

پنجم - ,,افغانستان تعهد کرده است به بازجویان پاکستانی زمینه بازجویی زندانی های پاکستانی را در زندانهای افغانستان فراهم کند.“ در حال حاضر هزاران افغان با گناه و بی گناه در زندانهای پاکستان در تحت بدترین شرایط مورد ظرب و شتم و شکنجه قرار میگیرند. چرا حکومت افغانستان در متن این تفاهم نامه ادعای چنین حقی را برای خود نمیکند اما برای پاکستان بدون قید و شرط این حق را میدهند؟ مردم افغانستان منتظر نشر متن کامل این تفاهم نامه اند، تا قضاوت کنند که حکومت افغانستان در این قرارداد چه دست آوردی دارد.

با در نظر داشت تمام ضعف ها و نارسایی های دیپلماتیک که در چند ماده این تفاهم نامه گنجانیده شده است. این سوال باز هم مطرح میگردد که چرا مقامهای مسئول افغان در چنین امر مهم بدون اطلاع قبلی و حد اقل رسیدن به توافق میان مسئولین این ارگان امنیتی و رئیس اجرایی و نمایندگان شورا اقدام به چنین عمل عجولانه میکنند؟ آیا در عقب امضای این تفاهم نامه بازیگران دیگری وجود دارند؟

از نظر این قلم عوامل امضای عجولانه این تفاهم نامه را نه در نیت نیک پاکستان و نه هم در خوشباوری سیاستمداران افغان جستجو کرد. بلکه انگیزه های اصلی آنها باید در شدت گرفتن تشنج میان ایالات متحده امریکا و ناتو با روسیه جستجو نمود.

تلاش غرب برای وابسته ساختن اوکراین به بازار اقتصادی اروپا و پیمان نظامی ناتو، سقوط دولت سابق اوکراین در مقابل واکنش شدید روسیه مواجه شد که بالاخره منجر به اشغال نظامی جزیره نمای کریمی و پیوست آن به روسیه و همچنان حمایت روسیه از جنبش جدایی طلبان اوکراین شرقی گردید. در مقابل تحریمات اقتصادی و سیاسی غرب در برابر روسیه به شدت این تشنج افزود.

شاید امریکا و ناتو انتظار آنها داشتند که روسیه به زودی تصمیم فسخ قرار داد راه مواصلاتی و اکمالاتی ناتو را از طریق روسیه که در سال ۲۰۰۹ میان ناتو و روسیه امضا شده بود، بگیرد. و روسیه واقعاً دست به چنین اقدامی زد و روز گذشته صدراعظم آن کشور فرمان فسخ این قرارداد را امضا نمود. با فسخ این قرارداد عمده ترین راه مواصلاتی ناتو و بخصوص ایالات متحده را در زمینه اکمالات نیروهای باقی مانده در افغانستان به مشکلات جدی مواجه خواهد ساخت. امکان دیگر ناتو

برای اکمالات قوایش در افغانستان باز نمودن مجدد راه از طریق خاک پاکستان است. که از سال ۲۰۰۷ به اینطرف بخاطر عدم امنیت در مناطق سوبه سرحد پاکستان و حمله و تاراج کاروانهای اکمالاتی ناتو از جانب طالبان و به احتمال قوی با موافقت نظامیان پاکستان بخاطر گرفتن امتیازات بیشتر از امریکا، کمتر مورد استفاده بود. امریکا بخاطر تامین مجدد امنیت این راه طولانی در خاک پاکستان و جلب حمایت نظامیان پاکستان باید در حل این مشکل بسرعت عمل میکرد. سفر کری به پاکستان و همچنان سفر نواز شریف و رحیل شریف به افغانستان و به تعقیب آن امضای عجولانه این تفاهم نامه که در آن پاکستان از امتیازات زیادی برخوردار شده است، با احتمال قوی ناشی از همین مشکلیست که ناتو بخاطر بسته شدن راه روسیه به آن مواجه بوده و افغانستان را با عجله و به نفع پاکستان مجبور به امضای این تفاهم نامه نموده است.